

اول سراغ بهودی ها رفتند
من یهودی نبودم، اعتراضی نکردم
از آن به بعد به سراغ لهستانی ها حمله بردند
من لهستانی نبودم و اعتراضی نکردم
انگاه به لیبرالها فشار آوردند
من لیبرال نبودم، اعتراض نکردم
سپس نوبت کمونیستها رسید
من کمونیست نبودم، بنا بر این اعتراضی نکردم
سر انجام به سراغ من آمدند
هر چه فریاد زدم دیگر کسی نمانده بود که اعتراضی کند

شعراعتراض نکردن: برتولت برشت

حمله نبوی به کمونیسم

ابراهیم نبوی در پاسخ به افشاگری رفقای کمیته دانشجویی بلژیک و اعتراض این رفقای اظهارات او علیه جانباختگان و قربانیان رژیم جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ و توهین به رفقای جانباخته کمونیست در زندانهای مخوف جمهوری اسلامی در گردهمایی بروکسل در تاریخ ۲۳ سپتامبر، عکس العملی همانطور که از او انتظار میرفت از خود نشان داده است. پاسخ او به این رفقا هر چه بیشتر و بیشتر ماهیت ارتجاعی و ضد کمونیستی اش را برای افکار عمومی آشکار تر کرده و تفکرات بغایت کینه تو زانه او را نسبت به احزاب چپ، کمونیست و کمونیست‌ها به طرز بارزی روشن ساخته است.

قبل از هر چیز لازم است گفته شود که ابراهیم نبوی از امکانات بسیار وسیعی برای اشاعه افکار ارتجاعی و ضد کمونیستی خود تبلیغ و ترویج این افکار بر عکس جلوه دادن تاریخ مبارزات و سر کوب مبارزان به دست رژیم جمهوری اسلامی که خود نیز یکی از عناصر فعال این رژیم بوده در بین ایرانیان و غیر ایرانیان برخوردار است. در ضمن از امکانات دوستان لیبرال و با نفوذ و به اصطلاح حقوق بشری اش و مدیای بورژوا-امپریالیستی به وفور استفاده میکند. برای مثال در سایت رادیو زمانه که با کمک مالی امپریالیستی برای حمایت و قوی کردن جناح اصلاح طلبان و فریب ایرانیان در داخل و خارج ایران به راه انداخته شده، او جزء قلم زنان دائم و ثابت میباشد و به شدت از این امکان برای فریب افکار عمومی در بر حق جلوه دادن باند سر کوبگران سابق واز دولت رانده شده (اصلاح طلبان) مثل موسوی و کروبی استفاده میکند.

ایشان از طرف انجمنهای متشکل از سلطنت طلبان و توده ای ها و لیبرال هاد دعوت شده و به سخنرانی و تعریف کردن طنز و فریب افکار عمومی مشغول میباشد. در حالی که خود را مخالف جناح حاکم نشان میدهد آزادانه و قانونی به ایران سفر میکند. نبوی در حال رفت و آمد به ایران است و به مبارزان-انقلابی و کمونیست‌هایی که ۳۰ سال به دلیل اینکه تحت تعقیب و فشار جمهوری اسلامی هستند قادر به رفتن به ایران تحت حکومت این رژیم ارتجاعی نیستند حمله میکند و به آنان تهمت میزند. به دفاع و تبلیغ و ترویج ارتجاع و طرفداری از جا نیان اصلاح طلب و شکنجه گران و قاتلین کمونیست‌ها در دهه ۶۰ و پس از آن می پردازد. از طرف دیگر به مخالفت و کینه ورزی با انقلابیون کمونیست با سر سختی به اشکال مختلف، با نوشتن مطلب و طنز و سخنرانی کردن مشغول میباشد. او عنصر بسیار فعال و وفادار و گستاخی برای دفاع از جناح اصلاح طلبان و بر پا ماندن رژیم سرمایه داری و سرکوب میباشد.

در پاسخ به رفقای کمیته دانشجویی، نبوی نوشته است "شش سالی است که در فضای بیرون از ایران زندگی میکنم و در تمام این مدت تلاش کرده ام تا خود را الوده، بازی های کودکانه کسانی نکنم که زندگی سیاسی و اجتماعی مردم ایران برای آنان یک تفریح ساده است و جز افزودن به بار سنگینی که بر دوش ملت است کاری ندارند، به همین دلیل همواره تلاش کرده ام که دور از هیاهوی این جماعت کار خود را بکنم و با آنان کاری نداشته باشم" واقعا این

گفته و ادعا از قلم شخصی که در تاریکترین سالهای سرکوب در خدمت دستگاه سرکوب (جمهوری اسلامی) دار ای پست و مقامهای مهمی در این رژیم به خدمت گذاری مشغول بوده است، بسیار قابل توجه میباشد. ایشان در سالهایی که روزانه دهها کمونیست و انقلابی و دانشجوی به پای چوبه های دار و جوخه اعدام برده میشدند یعنی در سالهای ۵۹-۶۱ عضو شورای مرکزی دانشجویان (دفتر تحکیم) بوده است (به اساسنامه و مرامنامه این تشکیلات ارتجاعی در اینترنت مراجعه شود)، در سالهایی که رژیم به سر کوب دانشجویان مبارز و پیشرو بستن دانشگاهها اقدام کرد. نبوی در این نهاد ضد دانشجویی (دفتر تحکیم) و در شورای مرکزی آن عضو بود.

از سال ۶۱-۶۴ مدیر دفتر سیاسی وزارت کشور بود. در سالهایی که در زندانهای مخوف اوین و قزل حصار و گوهر دشت و درسرا سر ایران رژیم به سرکوب و کشتار بیسابقه انقلابیون و کمونیستها مشغول بود، ایشان مدیر دفتر سیاسی وزارت خانه کشت و کشتار بودند و در ضمن با داشتن موقعیت شغلی مهم به صدای و سیمای سر کوب در سالهای سیاه و دیکتاتوری هاردر خدمت این ارگان تحمیق و دروغ بود. به قول آقای بهروز نظری نویسنده مطلب "صدا و سیمای ولایت فقیه: رسانه سر کوب ملی" در این مقاله آقای نظری نقش و عملکرد صدا و سیمای جمهوری اسلامی را بخوبی توضیح داده اند (این مقاله در سایت کمونیستهای انقلابی موجود است) در زیر به بخشی از مشاغل شریف نبوی اشاره میکنم.

منظور نبوی از "بازیهای کودکانه کسانی" انسانهای مبارز و شریف و کمونیستهای انقلابی است که از دست آزار و اذیت و تعقیب و شکنجه و اعدام رژیم سر کوبگر جمهوری اسلامی در سالهای دهه ۶۰ (سالها نی که ایشان به این رژیم خدمت میکرد) به خارج از ایران و بر خلاف میل خودشان آمده اند و به دشواری با عبور از راههای سخت و طاقت فرسا و با از دست دادن بسیاری از رفقا و عزیزان خود در خارج از کشور زندگی و فعالیت سیاسی میکنند. منظور ابراهیم اشاره به مبارزینی است که سالها رنج تبعید را تحمل کرده اند و به مبارزه بر علیه رژیمی که او در خدمت آن بوده است به فعالیت مشغول بوده و هستند، کمونیستها مثل نبوی وهم پا لکی هایش از مرزهای قانونی با اجازه رژیم جمهوری اسلامی و با ویزا عبور نکردند.

انسانهایی که نبوی بایشان میگویند و گستاخی به آنان توهین کرده و میکند، همه مبارزین واقعی آن دهه سیاه در دوران نخست وزیری شخص محبوب نبوی یعنی، میر حسین موسوی، نخست وزیر دوران قتل عام کمونیستها و آزادیخواهان، نخست وزیر جنگ و ویرانی میباشند. طبیعتاً مبارزان واقعی در خارج از کشور به فعالیت خستگی ناپذیر خود و افشاگری بر علیه کلیت رژیم با هر رنگی که الان به خود گرفته اند (هر ۲ جناح) می پردازند. آنها، مثل آقای نبوی هر روز بر حسب شرایط و به خاطر منافع فردی خود رنگ عوض نمیکنند.

آنچه در "پاسخ" اوبه رفقای مبارز کمیته دانشجویی کاملاً بارز است. دشمنی ماهوی و بنیادی نبوی با کمونیسم و کمونیستها میا شده که این خودگواه کینه توزی یک مرتجع است. این دشمنی را به خوبی در نوشته او میشود مشاهده کرد. برای نبوی حمله به حزب کمونیست کارگری از همین ضدیتش به کمونیسم ناشی میشود و نه چیز دیگری. کمونیستها، نیروهای چپ انقلابی و دموکراتهای واقعی، علیرغم هر اختلاف نظری که با حزب کمونیست کارگری دارند، در مقابل این درندگی بورژوازی و ارتجاعیونی از قبیل نبوی نباید سکوت کنند. ضروری و حیاتی است که ما با همبستگی بیشتری بر علیه این حملات، افتراء و لجن پراکنی در مقابل ارتجاع بر خیزیم.

رژیم جمهوری اسلامی در گذشته و حال با در خدمت داشتن عناصری مثل نبوی به سرکوب کمونیستها و انقلابیون مبادرت ورزیده. امروز نیز که بخشی از همین رژیم سر کوب از دایره قدرت مستقیم بیرون (موسوی و شرکاء) افتاده، بخش مطرود شده سعی میکند که به کمک طرفداران فالانژ و آتشده خود، چون ابراهیم نبوی به تطهیر چهره های جنایتکار اصلاح طلبان پردازد. میر حسین موسوی و دولت او در زمانی که او نخست وزیر بود به کشتن یک نسل اقدام کردند و به تعقیب، آزار و مجبور کردن تعداد بیشمار به خروج اجباری از ایران.

کمونیست‌هایی که برخلاف ابراهیم نبوی و شرکاء هر روز به رنگی در نیا مند و نان به نرخ روز نخوردند.

با افشای این عناصر باید جلوی تبلیغات آنان را بر علیه انقلابیون و کمونیست‌ها گرفت، سکوت جایز نیست به قول "برتولت برشت" هیچ اعتراضی نکردم تا سر انجام به سراغ من آمدند. هر چه فریاد زدم، دیگر کسی نمانده بود "امروز به حزب کمونیست کارگری حمله میکنند فردا نوبت دیگری است، باید نقاب دروغین آزادیخواهی و حقوق بشر و دموکراسی را از چهره این جانپان سابق برداشت. چهره بدون نقاب آنان یعنی: دشمنی با کمونیسم، کارگران و زحمتکشان و جامعه‌ای که به طور واقعی آزاد و انسانی می‌باشد. نبوی و نبوی‌ها فرصت طلبانی هستند که اگر فردا جناح مورد علاقه آنان بر اریکه قدرت نشینند، همان چهره واقعی دهه ۶۰ خود را نشان خواهند داد و نقاب از چهره بر خواهند گرفت و اولین نیروها و افرادی که تحت آزار و تعقیب و زندان و شکنجه در دولت مورد علاقه ایشان قرار خواهند گرفت کمونیست‌ها می‌باشند.

در زیربخشی از پرونده بسیار روشن و ضد مردمی او (نبوی) آورده میشود .
عضو شورای مرکزی سازمان دانشجویان (عضو دفتر تحکیم) دانشگاه شیراز (۱۳۵۹-۱۳۶۱)
مدیر دفتر سیاسی وزارت کشور (۱۳۶۱-۱۳۶۴)

جانشین مدیرکل اجتماعی وزارت کشور به مدت سه ماه (۱۳۶۲)

عضو شورای طرح و برنامه شبکه اول سیما (1363-1366)

معاون گروه فیلم و سریال شبکه اول سیما (1364-1365)

مدیر طرح و برنامه شبکه اول سیما (۱۳۶۵-۱۳۶۶)

مشاور رئیس دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی (۱۳۶۶-۱۳۶۷)

پس از بهار و همزمان با تابستان ۵۹ و تعطیلی دانشگاه‌ها بود که دفتر تحکیم به تثبیت پایه‌های خود، نصیحت و تکامل اساسنامه و تربیت نیروها و منسجم کردن تشکیلات پرداخت. از جمله برگزاری دوره‌های آموزشی و تحقیقاتی بود که در دوره‌های نسبتاً بلند مدت و با حضور افراد برجسته برگزار شد. نقل از اساسنامه دفتر تحکیم وحدت (منبع ویکی پدیا)

پشتیبانی از نهادهای انقلابی از طریق تامین نیرو

کارهای فکری-فرهنگی در راستای غنی سازی مبانی فکری نظام

سازماندهی دانشجویان برای حضور در جبهه‌ها

تشکیل شورای موقت برای اداره دانشگاه‌ها و مشارکت در راه اندازی جهاد دانشگاهی

عضویت تعدادی از اعضا در ستاد انقلاب فرهنگی

شغلها و مسئولیتهایی را که نبوی در تاریکترین و وحشتناکترین دوران ۳۰ ساله عمر ننگین جمهوری اسلامی داشته، خود گواه ماهیت و نقش این فرد در دفاع و خدمت و تثبیت به این رژیم کشتار و سرکوب رانشان میدهد. بخشی از سابقه کاری ایشان مدرک گویائی در این زمینه می‌باشد.

نبوی میتواند گفته‌های خود را در بروکسل بر علیه کمو نیست‌های اعدامی دهه ۶۰ و عکس خود را در کنار لاجوردی جلاد انکار کند و به دروغ پردازی و لجن پراکنی بر علیه نیروهای کمونیست بپردازد. ولی نمی تواند با داشتن چنین پرونده سیاهی گذشته خود و خدمت به رژیم جمهوری اسلامی را انکار و کتمان کند. میتواند مثل یک طرفدار صادق بورژوازی به لجن پراکنی و دروغ بر علیه کمو نیست‌ها بپردازد، ولی پرونده ایشان نیازی به توضیح ندارد، خدمات ایشان به ارتجاع با این سابقه درخشان روز بروز برای همه آشکار تر میشود و ماهیت ارتجاعی اونیز، هرچه بیشتر به افشای نیروهای ارتجاع بپردازیم.

بنفشه کمالی ۲۰۰۹.۱۰.۲۰

<http://shadochdt.wordpress.com>

banafshekamali@gmail.com